مادەی «ضعف»، مادەای دارای معانی ضد: ازدیاد و ضعف

ظاهراً در جلسەی قبل این را گفتم کە کلمەی «ضعف» یکی از موارد بسیار پر فایدە در فقە اللغۀ است. چرا؟؛ بەخاطر اینکە طرفینِ معنای آن کاربرد زیادی دارد: یکی «ضِعف» است کە بەمعنای چند برابر شدن است. یکی «ضَعف» است کە بەمعنای فتور و کم شدن است. کاربرد هر دوی آنها زیاد است. در قرآن کریم هر دوی آنها چندبار آمدە است. «يُضَٰعِفۡ لَهَا ٱلۡعَذَابُ ضِعۡفَيۡنِ»[1] «لَهُمۡ جَزَآءُ ٱلضِّعۡفِ»[2]. چقدر «ضعف» بە کار رفتە است. «ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعۡفٖ»[3]. تنها در قرآن کریم چقدر این دو بە کار رفتە است. معنای آنها هم با هم جور در نمیآید. یعنی ضد هم هستند. اگر الآن عدهای باشد و کسی بگوید: «ضعفکم اللّه»! شما چە معنایی میکنید؟ یعنی خدا شما را ضعیف کند ای زیادتان کند؟ «تضعیف» کدام است؟ تنصیف، و تضعیف و ... . کدام است؟ هر دو آنها است. باید با قرینە بفهمیم. باید با قرینە بفهمیم کە «ضعّفه»، تضعیف بەمعنای زیاد کردن است ای کم کردن. یعنی لغت اینقدر محل ابتلا است. لذا باید راجع بە آن فکر کنیم و حرف بزنیم. من از کتاب التحقیق بخوانم. البتە چون حرف عین، مفصل است، کل جلد هشتم را برای عین گذاشتەاند و غین و ... را در جلد هفتم جلوتر آوردەاند. توضیح هم دادەاند. چون می خواستە چاپ شود. الآن در چاپ جدید التحقیق بە چە صورت است، نمیدانم. لذا آدرسی کە میدهم برای اولین چاپ است. چون میدانید مرحوم آقای مصطفوی شش جلد را با دست خط خودشان نوشتەاند. بە خط خودشان است. فرمودەاند اینها سخت است، تایپ میکنند و اشتباە میکنند. لذا با خط خودشان نوشتەاند و چاپ کردەاند. جلد هفتم را نمیدانم چرا ننوشتند. شاید سنشان بالا رفتە است و ... . یادم نیست توضیح دادەاند یا نە. از جلد هفتم بە بعد با تایپ و حروف چینی چاپ شدە است، نە با دست خط. ظاهراً بعداً کە چاپ کردەاند، جلد یک تا شش، همینطور است. تایپ شدە است. در نرمافزار هم هست.

---

[1]. الاحزاب، آیەی ۳۰.

[2]. سبأ، آیەی ۳۷.

[3]. الروم، آیەی ۵۴.

بازبینی #2
ایجاد شدە 11 فوریە 2024 11:23:17 توسط ... .
بە روزرسانی شدە 11 فوریە 2024 14:41:28 توسط ... .